

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی
۲۷ اگست ۲۰۲۱

دولت طالبانی، مخالفت با آن، اشکال و مواضع مخالفت

(۱)

الف - ماهیت دولت طالبانی از منظر ملی:

از منظر منافع ملی، طالب نیروی است متجاوز و متکی به غیر و با زور سلاح و سازماندهی بیرونی و به شکل نامشروع در نتیجه توطئه مشترک امپریالیست های اشغالگر، در رأس امریکا- پاکستان به مسند قدرت پوشالی دست نشانده رسیده است. از این منظر، این گروه و دولت دست نشانده اش از لحاظ ماهوی با دولت های مزدور "خلق و پرچم"، دولت نامتحد جهادی ها، امارت طالبان و دولت مزدور محصول تجاوز و اشغالگری ۲۰ ساله امپریالیست های متجاوز امریکا - ناتو، قابل مقایسه است. هیچ کدام این دولت های دست نشانده اجانب متجاوز و مداخله گر از منظر منافع ملی کشور ما مشروعیت نداشتند.

گروه ریاکار جو فروش و گندم نمای طالبی ایجاد و تقویت شده توسط بیگانگان توسعه طلب و طامع به مثابه پروژه نواستعماری و سرمایه گذاری همزمان چندین قدرت چشم دوخته به منابع و موقعیت افغانستان در نقطه اتصال آسیای میانه، آسیای جنوبی و شرق میانه، مثل امریکا - غرب، روسیه و چین با متحدان کوچک تر منطقه ئی شان طبق برنامه سلطه گرانه، غارتگرانه و رقابتی این مراکز مطرح است. چنانی که همه شاهد بودیم، مزدوران طالبی خودفروخته و شیفته قدرت به شیوه خیلی رسوا با برنامه ریزی قبلی با زور و به شیوه ضد دموکراتیک و علیه اراده و رضایت جمعی و آمال و منافع مردم افغانستان با حضور همتایان ستمگر جهادی در کنار تمامیت خواهان طالبان در نقش تابع، سپاهی لشکر و ابزار فریب؛ روی صحنه ریاکاری آورده شدند. مگر همین طیاره نظامی اشغالگران امریکائی نبود که دولی "ملا غنی برادر" یکی از رهبران طالب نزدیک به امریکا - ناتو را در روز روشن با دُهل و سرنا و رسانه ئی مثل دولی ببرک وطن فروش و بازیچه، از قطر به قندهار و سپس به ارگ غلامان امریکا در کابل طالب زده و اسیر آورد. بناءً، دولتی با این ترکیب و به این شیوه مسخره دولتی خواهد بود کاملاً مزدور، مطیع، دست نگر، ابزار سلطه و نفوذ غارتگرانه دشمنان استقلال و سرفرازی افغانستان و حامیان و آفریدگاران بیرونی این گروه بی وطن و ضد ملی. در نتیجه دولت و حاکمیت پوشالی تشکیل شده از ترکیب گروه ضد ملی طالبان در راستای برنامه های سلطه گرانه و اشغالگرانه دول مغرض و متجاوز امپریالیستی و ارتجاعی در همجواری افغانستان و منطقه، مثل خود این گروه و

همتایان خودفروخته جهادی و تک خال های تکنوکراتی مثل خودفروختگان و شیادانی از قماش کرزی و خادیت دبل ایجنت روس و انگلیس - حنیف اتمر و... فاقد ذره ای وجاهت و مشروعیت ملی خواهد بود.

از منظر بین المللی، تعامل دولت ها و سازمان های ستمگر و تاراجگر سرمایه داری انحصاری در مرکز و کشور های وابسته پیرامونی با نظام های اقتصادی - سیاسی بوروکراتیک و زیر رهبری بورژوازی بوروکراتیک بزرگ که قدرت سیاسی و اقتصادی را با هم آمیخته است، در قبال دولت های نو تشکیل و شناسائی آن عبارت است که مهیا ساختن کلیه زیرساخت های اقتصادی و روساخت های روبنائی در بخش حکومت، قوانین و لوایح، به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی بر ابزار و محصول تولید به شمول سرمایه، خصوصی سازی تولید و خدمات، لغو حمایت گمرکی و "تجارت آزاد" و رفع موانع برای حرکت جهانی سرمایه و صدور کالا و غیره، توسط این دولت های نیازمند شناسائی سیاسی - دیپلماتیک و سرمایه لازم، است.

هرچند در عرف دولت های استعمارگر و به ظاهر "متمدن" و "دموکراتیک" امپریالیستی بلاک ناتو و همپیمانان آن در امریکای شمالی و سائر جا ها، پایبندی ظاهری به دموکراسی لیبرال، پلورالیسم، انتخابات، موجودیت احزاب سیاسی، لیبرالیسم، اندیویدوآلیسم اقتصادی و اجتماعی و آزادی های مدنی، حقوق بشر، آزادی زنان و غیره، از جمله پیش شرط ها برای حمایت سیاسی، شناسائی دیپلماتیک و فراهم نمودن اعتبار مالی، کمک های بلاعوض و قرضه های توأم با سود، پذیرفته می شود؛ ولی به رغم این امور ظاهری و ظاهر فریبی خداوندان سرمایه مالی، مستبد ترین دیکتاتور ها و جلادانی مثل پینوچیت، سوهارتوی قصاب، رضا شاه و تبر داران آل سعود در نقش قصابان شناخته شده کمونیست ها و زحمتکشان چیلی، اندونیزیا، ایران و عربستان سعودی از حمایت همه جانبه امپریالیست های امریکائی و اروپائی برخوردار بوده اند و در سایه حمایت اربابان غربی خود با فراغت خاطر هم قتل عام کردند و هم با برخورداری از حمایت سیاسی و اقتصادی دول ریاکار غربی، سال ها بر مردم کشور های شان زور گفتند، زندان ها را پر از آزادیخواهان و نیرو های دموکراتیک و پیشرو اعم از زنان و مردان ساختند.

با توجه به این پیشینه رویکرد و حمایت دول غربی صادر کننده سرمایه و کالا در گذشته، این بار انگیزه قوی گلچین کردن ابرسود ها از سرمایه گذاری در افغانستان، مسأله حمایت همه جانبه دول غربی و شرقی از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک طالبان را به گونه ای مطرح خواهد ساخت که قدرت ها برای آن مسابقه خواهند داد.

در گذشته در زمان جنگ سرد میان دو بلاک امپریالیستی، توسعه طلبان روسی در کرملین با عین ماهیت استعماری تحرکات شان با تحرکات غربی ها در قبال کشور های تحت سلطه، به رویکرد متفاوتی توسل جست و بیشتر به تجاوزات و توسعه طلبی شان به کشور ها و سرکوب خلق ها، رنگ و لعاب ایدئولوژیک می زدند و در مواردی که کار از کار می گذشت به شیوه عریان فاشیستی عمل می کردند. اما چنانی که در کشور خود ما و جا های دیگر دیدیم، دوگانگی در رویکرد زمامداران توسعه طلب شوروی مشاهده می شد، که دیروز و امروز در مورد سیاست ها و رویکرد گزینشی امپریالیست های امریکا - ناتو در قبال دیکتاتور ها و دار و دسته خونریز و شریر ارتجاعی اسلام سیاسی در عربستان، افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، پاکستان و غیره جا ها عملی شده است. احتمال دارد که من بعد این رویکرد های دوگانه دول امپریالیست غربی در منطقه بزرگ اور - آسیا برای پمپ تروریسم، ناامنی و بی ثباتی و مزدور گرفتن به کار بسته شود. اتخاذ این رویکرد دوگانه، یکی از چندین اقتضای سرمایه مالی و حرص و آز صاحبان آن برای متورم شدن (به معنای افزودن) سرمایه است.

دولت های نو تشکیل نیازمند سرمایه برای اعمار مجدد، مبارزه با بیکاری و اشتغال زائی برای نیروی کار جوان کشور، توسعه و حفظ و مراقبت از زیرساخت های اقتصادی در مجموع شامل عرصه های زراعت، صنعت و

مواصلات و احیاء و استمرار خدمات صحی، آموزشی، اجتماعی و سائر خدمات شهری و روستائی برای شهروندان و راه اندازی بهره برداری از ذخائر خوابیده در دل خاک کشور اند. هر دولت فاقد این سرمایه لازم صرف نظر از ماهیت ملی / اجتماعی اش، برای اداره مملکت به شیوه خودش، ناگزیر است منابع مالی برای این کار جست و جو کند. طبیعی است که سیاست و رویکرد دولت ها و نیرو های سیاسی - اجتماعی در قبال این مسأله متفاوت است. یک دولت عالیله مردمی که از طریق مشروع و با زور و حمایت مردمی مثلاً در نتیجه پیروزی یک انقلاب اجتماعی - رهائیبخش و یا به گونه دموکراتیک به قدرت رسیده و از پشتیبانی قاطبه مردم و اقوام ساکن کشور برخوردار است و اراده آزاد جمعی مردم را تمثیل می کند و منافع ملی و اجتماعی آنان را نمایندگی؛ با دور اندیشی و صیانت از منافع علیای ملی، با اتکاء به نیروی لایزال مردم، پیروی از اصل اتکاء به خود و به منابع دست داشته داخلی، کمک های بیرونی بلاعوض و یا توأم با سود ناچیز را که در نفس و در شرایط خود در تخالف با اصل استقلال اقتصادی و سیاسی و حاکمیت ملی کشور نباشد و وابستگی را در پی نیارد، پذیرفته و آن را در خدمت توسعه سالم، مستقل و متوازن جامعه و ارائه خدمات متوازن قرار می دهد.

دولت نامشروع ولد زنا و عجیب الخلقه ای مثل دولت در حال تأسیس توسط گروه تمامیت خواه و انحصارگر طالبان در کشور عقب نگه داشته شده و چند قومیتی مثل افغانستان امروزی، که از طریق توطئه مشترک امپریالیسم و ارتجاع با زور بیگانگان دشمن تاریخی و ملی ملت و مردم سرافراز افغانستان بر سرنوشت جمعی ملت و مردم ما در حال حاکم شدن است، دولتی است مزدور، پوشالی و فاقد مشروعیت و منابع لازم انکشافی و دولنداری. رویکرد یک چنین دولتی ضعیف، پوشالی فاقد حمایت مردمی، دست نگر و مزدور؛ متفاوت از رویکرد قبلی خواهد بود.

با یک چنین ماهیت خیانت پیشگی، با انحصارطلبی و ستمگری و با فاشیسم اعمال شده در حق زنان و دگراندیشان و اقوام غیرپشتون، این دولت ناقص الخلقه خود را بیگانه با منافع و آمال ملی و اجتماعی مردم افغانستان و نیرو های ملی - مترقی آن یافته، از معاضدت آنان محروم شده و مردم را به جای ماندن در کنار خود، در برابر خود خواهد یافت. در این تنگنای اقتصادی و افلاس کامل سیاسی و اخلاقی، رویکرد چنین دولتی در قبال برنامه های توسعه طلبانه استعمارگران بیرونی، صاحبان سرمایه مالی و ستمگران و حاکمان خلق های جهان، خیلی برده وار، خائنه و رهنانه خواهد بود. با چنین دولتی مطیع و سیاسی برده وار نتیجه هر نوع سرمایه گذاری تاراجگران بیرونی، غول های سرمایه مالی مثل بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک انکشاف آسیائی مستقر در شهر مانیلای کشور فیلیپین با سرمایه امریکائی - جاپانی، دول و سازمان های انحصاری بوروکراتیک و غیربوروکراتیک کشور های عمده و غیر عمده چشم دوخته به ثروت سرشار و موقعیت جغرافیائی افغانستان در چهارراه میان سه منطقه، برای دهه های متوالی آینده از نگاه تاراج منابع مردم ما و تخریب محیط زیست تا سرحد بحرانی شدن آن، خیلی فاجعه بار، ویرانگر و غم انگیز خواهد بود.

در چنین صورتی تمکین مزدوران طالب و دولت در حال تشکیل آن در برابر خواست تمویل کنندگان سرمایه مورد نیاز دولت ضد ملی و ضد مردمی طالبی، توسط یکی یا بیشتر از میان طیف های غارتگر و ستمگر فوق، به معنای انداختن آسیا سنگ گران بر گردن نحیف این گروه وطن فروش و خودفروش و دولت پوشالی آن در آینده خواهد بود. یک چنین تمکینی در ازای به دست آوردن قروض کمرشکن با شرایط دشوار و تحمیلی خداوندان سرمایه، به تعمیق و گسترش وابستگی، مزدوری و در باتلاق فرو رفتن طالب و دولتش و تشدید ستم و استثمار بر زحمتکشان شاغل، تاراج منابع در کشور ما خواهد انجامید. این بار آن قدر گران خواهد بود که کمر طالب را به موازات غارت ثروت های ملی مردم افغانستان، خم خواهد کرد و دم به دم ماهیت مزدوری و خودفروختگی طالب و شرکای جهادی و غیرجهادی و پوشالی

بودن دستگاه دولتی آن را به مردم و جوانان کشور نمایان ساخته و فاصله میان این دولت و نیروی طالبی و غیر طالبی گرداننده آن را از بُعد ملی، دور تر خواهد ساخت.

از همین اکنون می توان مشاهده کرد که از لحاظ ساختاری و کارکرد از بعد ملی، نیرو های این دولت به شمول طالبان، جهادی های سیدقطبی و قُمی و چند تا جنگسالار و تکنوکرات برای اغواگری، افراد و گروه هایی هستند که طی بیش از چهل سال در وطن فروشی، رقصیدن به ساز دُهل استعمارگر غربی و شرقی و ارتجاع اسلامی، کشتار بی گناهان هم میهن و ارتکاب خیانت و جنایت - تا سرحد جنایت آشکار جنگی - شهره آفاق بوده اند و جهادی ها و ملیشیا دست کمی از فاشیست های طالبان نداشته اند.

کارکرد طولانی جهادی ها و طالبان چه در موضع قدرت و یا هنگام جنگ برای قدرت، عناصری از پیش زمینه ها و چشم انداز آزادی ملی یک ملت و خلق تحت ستم و مورد یورش استعمارگران زمان قرار گرفته را در خود نداشته است. این عناصر، ابزار، روش ها و الزامات آزادی یک ملت دربند عبارت اند از: فراخوان انسجام و بسیج رزمنده ملی، تأکید بر اصل وحدت و ترقی، تکیه بر اصل اتکاء به خود، تلاش برای اتحاد سیاسی مبارزاتی در عین داشتن استقلال فکری و تشکیلاتی آحاد مقاومت ملی، عدم مداخله و عدم تعرض، اجماع عمومی در مورد تعیین هدف مشترک و وظائف و شعار های بسیجگر آزادیخواهانه، درک یکسان از اهداف و وظائف، ترسیم روشن چشم انداز جنبش رهانبخش در فردای پیروزی، پیروی از شیوه وحدت و مبارزه در میان صفوف خلق و داشتن درک درست از رابطه میان کمک های اقتصادی، سیاسی و نظامی بیرونی با هدف آزادیخواهانه مشترک مبارزان ملی و فشردن دست های کمکی که مغل و مغایر اصل استقلال سیاسی و اقتصادی ما نباشد و غیره...

جهادی ها و سپس طالبان بر زمینه رسوائی جهانشمول برادران جهادی شان، به جای پرداختن به امور و وجائب و مسؤولت های فوق برای رسیدن به آزادی ملی، قبل از رسیدن به قدرت، از همان بدو امر به دستور ارتجاع و امپریالیسم و دستگاه های استخباراتی و نظامی آن دول، راه انحصارگری، حذف مخالفان و دگراندیشان، حذف جسدی و به حاشیه راندن روشنفکران انقلابی و آزادیخواه، از پشت خنجر زدن به جوانان رشید مقاومت ملی ضد تجاوز اشغالگران روسی، دامن زدن به تفرقه قومی، مذهبی، سیاسی و گروهی، ایجاد و تقویت نفاق و شقاق ملی تا سرحد استخوان شکنی، جنایت، بی ناموسی و کشتار جمعی، ترویج خرافات مذهبی به جای گرایش مترقی، نامیدن جنگ آزادیبخش "جهاد"، خودفروشی، دانش ستیزی، مکتب سوزی، زن ستیزی، ویرانی و غارت زیرساخت های اقتصادی، صحتی، آموزشی، تحصیلی و فرهنگی کشور با ویرانی آثار تمدنی، ترویج مواد مخدر و فرهنگ مافیائی از طریق زورگوئی، قلدری و گردنکشی در برابر مردم در عین مطیع و منقاد بودن در برابر ولی نعمتان و اربابان بیرونی و موارد دیگر... مشتمل نمونه خروار از عملکرد جنایتکارانه ضد ملی و ماهیت مزدوری جهادی ها و طالبان این برادران ناراضی کرزی، است.

لذا از بعد منافع ملی، از ترکیب ساختاری عناصر متشکله دولت طالبی و در روشنائی عملکرد خائنانه چهل ساله جهادی ها و طالبان و پشت جبهه مشترک امپریالیستی و ارتجاعی این دو گروه، می توان به ماهیت ضد ملی و ابزار پوشالی و بی اراده بودن دولت آن و سیاست های ضد ملی دیکته شده بر این گروه وطن فروش، از همین اکنون پی برده و شباهت کامل آن را از این بعد با دولت مزدور متلاشی شده قبلی به ریاست پوشالیان دیروزی، "کرزی - احمدزی" به عیان مشاهده کرد.

ادامه دارد